

صفات عالیّه قضاّت از منظر اصول فقه

پژمان الهامی^۱

^۱ کارشناس رشته حقوق، دانشگاه پیام نور بيله سوار

چکیده

در حکومت جمهوری اسلامی ایران پس از مقام معظم رهبری قوای سه گانه ای وجود دارد که رئیس جمهور به عنوان رئیس قوه مجریه و اجرای قانون اساسی و با رای مردم انتخاب می شود و قوای دوم قوه مقننه است که با انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی از میان نمایندگان منتخب به عنوان رئیس مجلس و رئیس قوه مقننه می باشد و قوه سوم قوه قضائیه است که مستقیماً از طرف رهبری برای مدت پنج سال انتصاب می شود و به عنوان رئیس قوه قضائیه می باشد، آنچه که ما به آن می پردازیم صفات عالیّه قضاّت می باشد. در قانون اساسی قضاّت بصورت مستقل در قضاوت تفسیر شده است و نظر قاضی کاملاً در صدور رای و قضاوت لازم الاجراست، گرچه مراحل دادرسی بصورت پله ای یعنی احکام بدوی و مرحله بعدی احکام تجدیدنظر و مرحله بعدی عندالزوم جهت تصمیم نهایی و قطعی در صورت ارجاء پرونده به دیوان عالی کشور می باشد. در صورتی که احکام و یا پرونده های حساس عفو و تخفیف مجازات اسلامی انتخاب معاونین رئیس قوه قضائیه و یا رئیس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور با شخص رئیس قوه قضائیه می باشد که اصطلاحاً به آن قاضی القضاّت نیز می گویند به مفهوم رئیس دستگاه قضایی قوه قضائیه می باشد.

واژه های کلیدی: شرایط قاضی، آیات و روایات در مورد قاضی، عظمت و منزلت قاضی، قضاوت

مقدمه:

جهت تشریح کلی قاضی یا قضات محترم با توجه به منصب شرايطی مختلف دارد یعنی با تفکیک ساختار قوه قضائیه از شهرستان ها گرفته تا مرکز کشور دادرسی عمومی و انقلاب و در راس آن دادستان کل کشور قرار میگیرد و در دادگاههای عمومی و حقوقی شهرستان و استان با مسئولیت روسای دادگستری شهرستان و دادگستری استان می باشد. در دادرسی به پرونده های کیفری رسیدگی می شود و وظیفه اصلی دادرسی صدور کیفرخواست و یا صدور قرار منع تعقیب می باشد در صدور قرار کیفرخواست قاضی می تواند با توجه به وضعیت پرونده و تشخیص خویش وجهه الوکاله (ضمانت) اخذ می نماید و جهت رسیدگی با تایید دادستان به دادگاه عمومی ارسال می شود در دادگاه عمومی رئیس دادگستری با تشخیص خویش پرونده را جهت رسیدگی به شعبات ارجاء می نماید که پس از مراحل رسیدگی نهایتاً رای صادر می شود که به آن دادنامه می گویند قاضی نمی تواند از صدور دادنامه برای پرونده خودداری نماید و بایستی با پیدا کردن قوانین و یا مراجعه به شرع و فقه و نظریه فقها و مجتهدین نسبت به صدور رای اقدام بنماید.

در شهرستان ها آرای صادره در دادگاه های عمومی به عنوان آرای بدوی تلقی و از نظر قانونی قابل اعتراض از طرف خواهان و خوانده پرونده شاکی و متشاکی در محاکمه دادگاه های تجدید نظر استان می باشد اصولاً دادگاه های تجدید نظر با تشخیص خویش و اوضاع و احوال پرونده یا طرفین را برای جلسه دادرسی احضار می نماید و یا با توجه به محتویات پرونده رای خویش را صادر می نماید که احتمال اعاده پرونده جهت رسیدگی و رفع نواقص به دادگاه بدوی ارسال می نماید و یا دادنامه بدوی را تایید می نماید و یا دادنامه بدوی رانقض می نماید ولی در صورت صدور رای بایستی رای قطعی صادر شود در صورت رای قطعی چنانچه یکی از طرفین اعتراض داشته باشد در قانون جدید با اعمال ماده ۴۷۷ و اختیاراتی که رئیس قوه قضائیه به روسای دادگستری ها و سازمان قضایی نیروهای مسلح تنفیذ نموده است اینها میتوانند اعتراض طرفین را اخذ و پرونده را و آرای قطعی را از نظر قانون و شرع و بین مجدداً رسیدگی و چنانچه تشخیص دهند حقی از طرفین تضییع گردیده بدون صدور رای نظر خویش را اعلام و جهت رسیدگی به دیوانعالی کشور ارسال می نماید هرگونه تصمیمات دیوانعالی کشور به عنوان عالی ترین مرجع قضایی قطعی و لازم الاجرامی باشد ولی همانطوری که اشاره شد در محاکم دادرسی پرونده پس از رسیدگی در دادگاههای صدور کیفرخواست به دادگاههای کیفری نیز جهت رسیدگی بعدی ارجاء می شود در شهرستانها آرای صادره در دادگاههای کیفری قابل اعتراض و قابل رسیدگی در محاکم دادگاه کیفری می باشد در چنین صورت آراء قطعی محسوب میشود البته تمام پرونده های عمومی - حقوقی - کیفری - بایستی در دادگاههای تجدید نظر استان توسط قضات دادگاههای تجدید نظر با صدور رای قطعی پایان یابد و رئیس دادگاههای تجدید نظر استان با توجه به وضعیت پرونده از نظر حقوقی و کیفری به شعبات مربوطه و با تشخیص خویش و کیفیت پرونده جهت رسیدگی ارجاء می نماید لازم به توضیح است قضات محترم چه در مرحله بدوی و یا تجدیدنظر و یا در طول دادرسی بایستی با صبر و حوصله و دقت مضاعف تا رسیدن به اصل موضوع و با تحقیقات لازم و بدون نفوذپذیری مراحل دادرسی را انجام دهد و جو جلسه را طوری اداره بنماید که شاکی و متشاکی به راحتی و بدون دلبهره از حق و حقوق خویش دفاع نماید و وکلای آنان بتوانند در صورت نیاز جهت تحقیقات بیشتر در خصوص موضوع پرونده با تقاضای وقت رسیدگی مجدد موافقت بنمایند قضات محترم همانطوری که جایگاه منصب عدالت را عهده دار هستند بایستی از صفات عالییه اخلاق و برخورد و تکریم، ارباب رجوع را مورد توجه خویش قرار دهند این عمل باعث می شود شاکی و متشاکی و وکلای آنان و یا شهودین پرونده به راحتی اظهارات خویش را بیان نمایند.

آنچه که ضرورت دارد گفته شود این است که در سیستم قضایی جهت نظارت بر عملکرد قضات و یا تخلف آنان تشکیلاتی بنام (دادسرای انتظامی قضات) که وظیفه رسیدگی به تخلف قضات می باشد وجود دارد که می تواند بر عملکرد تمامی قضات در صورت هرگونه شکایت رسیدگی و تصمیمات لازم را تا اخراج و یا حکم تادیبی و یا هرگونه احکام لازم را مناسب با پرونده تخلف صادر بنماید که در صورت چنین شرایطی این حکم باید به تایید رئیس قوه قضاییه برسد. جهت روشن شدن زیر مجموعه قوه قضاییه می توان سازمان قضایی نیروهای مسلح - سازمان بازرسی کل کشور - سازمان زندانهای کل کشور - دیوانعالی کشور - دادستان کل کشور - و دیوان محاسبات رانام برد.

۱- شرایط قاضی

تعریف قاضی

قاضی یا دادرس کسی یا شخصی است که به تنهایی یا به عنوان عضوی از هیئت قضات مدیریت یا ریاست دادگاه را بر عهده دارد و به قضاوت می پردازد و مسئولیت صدور حکم با وی است قاضی از قوانین در دادگاه های مختلف استفاده کرده و بر روند قانونی دادگاه نظارت دارد او اختلافات بین دوطرف دعوا را حل کرده و مذاکره بین آنها یا نمایندگانشان را تسهیل می کند و در صورت نیاز بر اساس قوانین و مقررات نسبت به صدور حکم و دستورات اقدام می نماید.

رکن قضات

قضاوت بر دو رکن 'قانون و عدالت' استوار است همه نظامهای قضایی دنیا از مقررات قضایی مدون که بر اساس قانون اساسی کشورشان شکل گرفته استفاده می کنند و در ایران قوانین مصوب برگرفته از قوانین دینی و شریعت نیز می باشد با توجه به این مسئله لذا تعاریف مختلفی که از قاضی و قضاوت نیز در قوانین ما وجود دارد برگرفته شده از قرآن و احادیث می باشد.

نمونه ای از آن به شرح زیر است :

قضاوت و حکمیت منصبی شریف و کار پیغمبران و اولیاء خداست رای قاضی و حکم در صورتی عادلانه و خداپسند است که هنگام رای دادن، خدا را در نظر داشته باشند به مسؤولیتی که برعهده دارند توجه نمایند، روز قیامت را فراموش نکنند، خودشان را بجای آن کسی که می خواهند درباره ی او حکم صادر کنند فرض نمایند، از راهنمایی و اطاعت وجدان سرپیچی نکنند، باطل را به صورت حق و حق را به صورت باطل جلوه ندهند، با ظالم توافق نکنند تا بدین وسیله حق مظلوم را پایمال نمایند، دام طمع، آنان را از پرواز نمودن در فضای عدالت و حق گوئی باز ندارد حاضر باشند دست از مقام و رتبه خود بردارند اما برخلاف شرع و وجدان حکمی نکنند حکم خدا همیشه به وسیله قاضیان و داوران پاکدامنی که با این موضع بکار خود مشغولند زنده و پاینده است.

وظایف قاضی

بررسی مباحث قانونی و کسب اطلاع از آخرین قوانین و مقررات مصوب مجلس شورای اسلامی

بررسی و ارزیابی مستندات و شواهد دو طرف دعوی به منظور احاطه بیشتر بر موضوع پرونده مورد بررسی

ریاست جلسه دادگاه و حفظ نظم آن

شنیدن سخنان دو طرف دعوی به منظور اطلاع دقیق از روند ماجرا و اطلاعات هر یک از طرفین دعوا

نظارت بر قانونی بودن رویه ها و روش های بازجویی، رفتار با متهم پرونده و ...

تحلیل، بررسی و بکارگیری قوانین و مقررات برای صدور رای نهایی

صدور رای نهایی دادگاه جهت اجرا توسط دستگاه های مربوطه

شرایط عمومی برای منصب قضا

۱- تابعیت اصلی جمهوری اسلامی ایران

۲- اعتقاد و التزام عملی به دین مبین اسلام، ایمان و عدالت

۳- التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصل ولایت مطلقه فقیه و عدم وابستگی تشکیلاتی به احزاب

سازمان ها و گروه های غیرقانونی یا هواداری از آنها مگر در صورت احراز توبه

۴- طهارت مولد

۵- داشتن سلامت جسمی و روانی و توانایی برای انجام کار قضایی

۶- نداشتن سابقه محکومیت کیفری مؤثر

۷- حسن شهرت اخلاق و امانتداری

۲- آیات و روایات در مورد قاضی

در اسلام نسبت به شرایط قاضی بسیار سخت گیری شده و این امر نشانگر اهمیتی است که اسلام برای قضاوت قائل است.

صفات قاضی از نظر امیر المؤمنین

امیر مؤمنان علیه السلام در عهدنامه جاوید خود به مالک اشتر ویژگی های یک قاضی خوب را چنین بیان می فرماید:

برای قضاوت در میان مردم بهترین را برگزین کسی که از عهده قضاوت برآید و اصحاب دعوا نتوانند نظر خود را بر او تحمیل کنند و چون به خطای خود آگاه شود از آن بازگردد نه آنکه بر اشتباه خود پا فشاری نماید طمع کار نباشد و در مواضع شک درنگ کند تا حقیقت برایش کشف شود حجت و دلیل را بیش از همه فراگیرد و در کشف حقیقت از همه بردبارتر باشد و وقتی که حقیقت روشن شد از همه قاطع تر باشد همین که موضوع را تشخیص داد در صدور حکم تأخیر نرزد و از ستایش دیگران گمراه نگردد عده این گونه افراد اندک است.

امام علی(ع) در نامه معروفش به مالک اشتر نخعی هنگامی که وی را به استانداری مصر می‌فرستد تمام قوانین مربوط به حکومت و حقوق مردم را در این نامه به عنوان دستور العمل اجرایی به وی ابلاغ می‌کند تا وی در محدوده و قلمرو حکومتش آنها را اجرایی کند در بخشی از این نامه برخی از صفات و ویژگی‌های قضات را برمی‌شمرد که مهم‌ترین آنها را مرور می‌کنیم:

۱. «ثُمَّ اخْتَرُ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ: قاضی از نظر علم، اخلاق، تقوا و ایمان باید در درجه‌ای بسیار بالا باشد زیرا برتری و بهتری از دیگران بدون صفات مزبور قابل تصور نیست اگر کسی پیدا شود که این ویژگی‌ها را در درجه‌ای بالاتر داشته باشد به یقین او برتری دارد و باید بر کسی که آن درجه را ندارد مقدم شود.

۲. مِمَّنْ لَا تَضِيقُ بِهِ الْأُمُورُ: قاضی نباید در برابر اموری که مربوط به قضاوت است در تنگنا قرار گیرد یعنی قاضی باید مراقب عواطف، احساسات و هیجانات خود باشد و ظرفیت مشاهده هر برخورد و شنیدن هر گونه سخن را داشته باشد زیرا مردم هنگامی به قضات مراجعه می‌کنند که موضوع مال، جان، حیثیت و ناموس در کار باشد، و طبیعی است که آدمی برای احراز موقعیت مطلوب برای خود در ارتباط با این امور به هر گونه تلاش و دفاع و تندی متوسل خواهد شد.

۳. «وَأَلَّا تَمَجِّحَهُ الْخُصُومُ»: از کسانی نباشد که طرف‌های دعوا، نظر خود را بر او تحمیل کنند حرکات و سخنان مردمی که برای دعاوی و دیگر امور مربوط به قضا پیش قاضی حاضر می‌شوند نباید او را به لجاجت بکشاند، بلکه باید حواسش را جمع کند که اهل دعوا او را به آزمایش در نیاورند این که نباید اهل دعوا او را به آزمایش درآورند یک شرط بسیار با اهمیت است که چه بسا اگر قاضی توجهی به آن نداشته باشد حقایق برای او معکوس ارائه شود.

صفات قاضی از نظر امام خمینی

امام خمینی قدس سره درباره صفات قاضی می‌فرماید:

صفات قاضی عبارتند از: بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، اجتهاد مطلق، مرد بودن (در حال حاضر در مورد وضعیت زنان برای امر قضا در قانون مقرر شده است: بانوان دارنده پایه قضایی واجد شرایط می‌توانند در دادگاه‌های مدنی خاص و اداره سرپرستی صغار به عنوان مشاور خدمت نمایند و پایه قضایی خود را داشته باشند. حلال‌زادگی، اعلیت (نسبت به افراد شهر و محل خود) به احتیاط واجب و داشتن حافظه قابل اعتماد به احتیاط واجب. دستگاه قضائی و آئین دادرسی و قاضی کاملاً باید بی طرف، عادلانه و منصفانه باشد و متهم بطور کامل بتواند از خود دفاع کند و حقوق متهم در آن رعایت شود و محیط دادگاه محیط عدل و انصاف باشد نه محیط وحشت و ارعاب و مقدمات نیز کارشناسانه و عادلانه و به دور از حبّ و بغض‌های شخصی و جناحی و سیاسی و سلیقه‌ای باشد و قاضی در مقام قضاوت نباید تحت تاثیر هیچ عاملی جز وظیفه، حق و تکلیف، عدالت و انصاف قرار گرفته باشد و روابط سیاسی، اقتصادی و خویشاوندی و خانوادگی، رفاهی و مادی یا تمایلات عاطفی و یا سیاسی نباید در کار قاضی و در کار قضاوت کوچکترین تاثیری داشته باشد. آنچه در دادگاه قاضی، کارمندان دستگاه قضائی، مراحل مختلف امر قضائی اعم از حقوقی و کیفری و یا خانوادگی نافذ است و دخالت دارد یک چیز بیشتر نیست و نخواهد بود و آنهم رضایت خداوند ادای تکلیف، احقاق حق، احیای عدالت، اجرای قانون عدل و انصاف، احقاق حقوق مظلومان، حکم بحق و صیانت از حقوق عامه است. طبق فرمایشات حضرت امام(س) قاضی باید سعی کند به تشخیص درست برسد و آنگاه طبق قانون

حکم درست صادر نماید و سیستم قضائی نیز باید بکوشد تا در ایفای وظیفه قانونی و شرعی و وجدانی و اخلاقی خود به اقناع وجدانی و طمأنینه قضایی برسد و بر اساس آن و ادله روشن و مستندات متقن و براهین و شواهد و قرائن قابل اعتماد به اصدار رأی اقدام نماید و از شتابزدگی و عجله در کارها جداً پرهیز نماید و رضایت خداوند را در کارها اصل قرار دهد و قواعد قضائی و اخلاقی و اصول و مبانی رسیدگی را بطور دقیق رعایت کند و به اصول متخذ از قرآن کریم و نهج البلاغه شریف و روایات اسلامی و تجارب بشری کاملاً پایبند و مقید باشد و در کلیه امور و شئون مربوط پا را از صراط مستقیم ایمان و عدالت و انصاف و رضایت خداوند متعال فراتر نگذارد که خسارت دنیا و آخرت را در پی خواهد داشت.

شرایط قضائی طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی

گفتنی است نخستین قانونی که بعد از حاکمیت قانون اساسی جمهوری اسلامی در خصوص شرایط قضائی تصویب شد ماده واحده و یک تبصره در اردیبهشت ۱۳۶۱ بود که به موجب آن قضات از میان مردان واجد شرایط ذیل انتخاب می‌شوند:

۱- ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران

(گفتنی است که در عبارت قانون، شرط بلوغ و عقل به علت روشن بودن ذکر نشده است از طرفی مفهوم عدالت متضمن تعهد عملی به موازین اسلامی و وفاداری به نظام هم هست و عدالت نمی‌تواند از این مفاهیم تفکیک شود با وجود این به دلیل آن که در نصب قضائی جهات ملموسی باشد که شورای عالی قضائی دچار تردید و شک نشود به آن اشاره شده است.

۲- دارا بودن اجتهاد به تشخیص شورای عالی قضائی یا اجازه قضا از جانب شورای عالی قضائی

۳- صحت مزاج و توانایی انجام کار و عدم اعتیاد به مواد مخدر

اصل یکصد و پنجاه و هفتم: به منظور انجام مسئولیت های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرایی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می نماید که عالیتین مقام قوه قضائیه است.

اصل سابق اصل یکصد و پنجاه و هفتم: به منظور انجام مسئولیتهای قوه قضائیه شورایی به نام شورای عالی قضائی تشکیل می گردد که بالاترین مقام قوه قضائیه است و وظایف آن به شرح زیر می باشد :

۱ - ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیتهای اصل یکصد و پنجاه و ششم

۲ - تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی

۳ - استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری طبق قانون

عزیز داشتن قاضی از منظر حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای

حضرت آیت الله خامنه ای در حکم انتصاب حجت الاسلام و المسلمین سید ابراهیم رئیسی به ریاست قوه قضائیه بر عزیز داشتن قاضی و دادگاه تأکید کرده و احساس عزت و شرافت در قاضی را سدّ محکمی در برابر انگیزه‌ها و عوامل نفوذ و انحراف دانستند تأکید رهبر حکیم انقلاب بر تکریم قضات را می‌توان یکی از حلقه‌های مفقوده‌ی نظام قضایی دانست حلقه‌ای که نه فقط اقتضای اخلاق اسلامی برای قدرشناسی از صاحبان خدمت است بلکه تدبیر مدیریتی بسیار کارگشا دقیق و بجا برای بهبود شاخص‌های دادرسی منصفانه و گسترش عدالت علوی به شمار می‌رود به راستی مگر می‌شود دم از عدالت زد و کرامت و عزت کارگزاران عدالت و مبارزان خط مقدم جهاد قضایی را نادیده انگاشت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در عهدنامه‌ی مالک اشتر، خطاب به این والی منصوب خود در مصر درباره‌ی قضات چنین می‌نویسند:

«وَأَفْسَحْ لَهُ فِي الْبَدَلِ مَا يَزِيلُ عِلَّتَهُ، وَ تَقِلْ مَعَهُ حَاجَتَهُ إِلَى النَّاسِ وَأَعْطِهِ مِنَ الْمُنْزِلَةِ لَدَيْكَ مَا لَا يَطْمَعُ فِيهِ غَيْرُهُ مِنْ خَاصَّتِكَ لِيَأْمَنَ بِذَلِكَ اغْتِيَالُ الرِّجَالِ لَهُ عِنْدَكَ

حقیقت آن است که در سیاست تقنینی و اجرایی ایران چه پیش از پیروزی انقلاب و چه پس از آن عنایت درخوری به شأن و منزلت و کرامت قاضی نشده است درحالی‌که در کلام امامین انقلاب بر لزوم توجه و حفظ این منزلت سفارش شده است با بررسی همه‌ی قوانین و مقررات مصوب پس از پیروزی انقلاب اسلامی تنها در دو سند به‌طور مستقیم بر برخی از ابعاد منزلت و کرامت قاضی تصریح شده است:

یکم: قانون اساسی

اصل ۱۶۴ این قانون برای تأمین امنیت شغلی قاضی به‌صراحت مقرر می‌دارد

قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به‌طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه‌ی قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

اصل ۱۷۱ نیز در راستای حمایت مدنی از قاضی در موارد ورود ضرر ناشی از قصور او مقرر می‌دارد:

هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله‌ی دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده‌ی حیثیت می‌گردد.

۳- عظمت و منزلت قاضی

در جمله معروف حضرت امیرالمومنین علی (ع) به شریح قاضی تو در جایگاهی قرار گرفته‌ای که نبی یا وصی یا یاشقی جای دارند حساسیت قضاوت نشان داده می‌شود و می‌فهماند قضات عادل و جامع شرایط در مکان نبی و وصی قرار دارند در عهدنامه معروف می‌فرماید قاضی را از نظر منزلت و مقام آن قدر بالا ببر که هیچ کدام از یاران نزدیکت به نفوذ در او طمع

نکند و از توطئه این گونه افراد نزد تو در امان باشد و بداند موقعیتش از او بالاتر نیست که بخواهد از او شکایتی بکندشأن و عظمت قاضی، همسنگ منزلت والی و حاکم است و قضاوت از مناصب جلیله الهی است که از آن^۱ خداست که به رسول حق تفویض شده است و رسول اکرم(ص) به امیرالمؤمنین و ائمه اطهار و آنها هم به علمای جامع الشرایط واگذار کرده اند شأنی است که جز با حکومت تجلی نمی یابد و از شؤون اصلی ولایت است و آن قدر با حکومت عجین است که گویا یکی هستند درمقبوله عمر بن حنظله و مشهوره ابی خدیجه حاکم و قاضی مترادف اند لذا اهداف حاکم و قاضی و حکومت و قضاوت یکی است.

استقلال قاضی

سلامت امر قضاوت منوط به استقلال قاضی و استقلال وی منوط به تأمین عوامل استقلال اوست او باید از لحاظ معیشت و شأن و دیگر نیازهای معمول بشری سیر باشد امیرالمؤمنین به مستقل بودن قاضی اهتمام بلیغ داشت و در این باره به مالک اشتر فرمود: با جدیت هرچه بیشتر قضاوتهای قاضی خویش را بررسی کن و در بذل و بخشش به او سفره سخاوت را بگستر آنچنان که نیازمندی اش از بین برود و حاجت و نیازی به مردم پیدا نکند از نظر منزلت و مقام آن قدر مقامش را نزد خود بالا ببر که هیچ کدام از یاران نزدیک به نفوذ بر او طمع نکنند و از توطئه این گونه افراد نزد تو در امان باشد و بداند موقعیتش از او بالاتر نیست که بخواهد از او شکایتی بکندچه بسا حضور حضرت به رغم داشتن خلافت و قدرت در محکمه شریح قاضی، تأکیدی بر استقلال و تسلط قاضی حتی بر خلیفه و قوه مجریه است.

آداب قضا

مراد از آداب، نکاتی است که قاضی با رعایت آنها در رفتار و گفتار در جامعه و مجلس قضاوت علاوه بر حفظ شخصیت و منزلت خویش زمینه مناسبتری برای قضاوت عادلانه پیدامی کند از مجموع سفارشهایی که رسول خدا (ص) به حضرت داشته و سیره عملی ایشان و توصیه هایی که به قاضیان و والیانی همچون مالک اشتر و والی اهواز و شریح قاضی بصره و به ابوالاسود دثلی قاضی کوفه داشته اند، آداب زیر استفاده می شود:

- ۱- رعایت بی طرفی کامل در قضاوت
- ۲- رعایت مساوات بین طرفین نزاع، از جهت نگاه و گفتار و نشستن و توجه
- ۳- حوصله کامل در استماع سخنان طرفین و قطع نکردن حرف آنها
- ۴- عدم قضاوت در حال گرسنگی و خواب آلودگی و عصبانیت
- ۵- عدم خستگی و ملالت و بی حوصلگی در حال قضاوت
- ۶- بالا نبردن صدای خویش با طرفین دعوا
- ۷- حفظ هیبت و عدم خنده بیجا و زیاد
- ۸- عدم معامله با طرفین احتمالی دعوا در اجتماع و بازار و عدم ضیافت متخاصمین به تنهایی

والایی شأن قاضی و قوه قضاییه در اسلام

مسأله‌ی قوه‌ی قضاییه، مسأله‌ی کمی نیست لذا همه وظیفه دارند کمک کنند تا این قوه‌ی تعیین کننده بتواند نقش ممتاز و بی بدیل خود را به انجام برساند اگر خدای نکرده این قوه فلج باشد هر چه دستگاههای دیگر خوب کار کنند نخواهند توانست خلأهای ناشی از تجاوزها و سوء استفاده‌ها و قصورها و تقصیرها را پر کنند یعنی تمامیت نظام جز به تمامیت و کمال قوه‌ی قضاییه تحقق پیدا نخواهد کرد بنابراین شما می‌بینید شأن قاضی و قوه‌ی قضاییه در اسلام چقدر بالاست تعبیراتی که در باب قضاء و قاضی وارد شده است خیلی عجیب و عظیم است؛ مثل «قد جلست مجلساً لا یجلسه الا نبیّ او وصیّ نبیّ او شقیّ» به قاضی می‌فرماید: این جایی که تو نشسته‌ای، یا یک پیغمبر می‌نشیند یا منصوب پیغمبر و وصیّ او می‌نشیند یا یک انسان شقی می‌نشیند امر دایر بین این دو تاست این جایگاه آن قدر جایگاه والایی است که جز پیغمبر یا منصوب از قبل پیغمبر و وصیّ او نمی‌تواند این جا بنشیند سلسله‌ی مراتب قضا این گونه تعیین می‌شود اگر این طور نشد آن گاه مسأله‌ی شقاوت است بنابراین اهمیت این جایگاه است که این چیزها را برای آن لازم دانسته‌اند.

رحمت الهی برای صبر بر یک عمل بزرگ و انقلابی

همه‌ی قضات شجاع و همه‌ی بخشهای دستگاه قضایی آن روزی که به وظیفه‌ی خودشان عمل کنند و خدا را حاضر و ناظر بدانند و با چشم باز قضاوت کنند باید به خودشان ببالند چون «ولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمه» در شرایط دشوار صبر بر یک عمل بزرگ و انقلابی صلوات و رحمت الهی را در بر دارد بنابراین باید به خودشان ببالند آنها باید بدانند که کارشان زیر مراقبت کرام‌الکاتبین قرار دارد بهترین یادداشت‌کنندگان جزئیات اعمال ما، مأموران الهی‌اند با این روحیه کار را دنبال و عمل کنند.

عظمت منزلت قاضی در دین بخاطر ارزش کار آنها

شما برادران عزیز جزو بهترین کسانی هستید که می‌توانید از این سفره‌ی انعام الهی که در ماههای رجب و شعبان و رمضان گسترده است استفاده کنید علت این است که در این میدان، آن که تلاش بیشتری می‌کند؛ آن که طهارت و صداقت بیشتری برای خود ذخیره می‌کند و آن که کار بیشتری در مقابل برداشت کمتر ارائه می‌دهد، مقربتر و موفقتر است او بیشتر محل تالو انوار الهی قرار می‌گیرد عنصر قضایی و مرد میدان قضا، می‌تواند این گونه باشد این که در روایات همان طور که جناب آقای یزدی اشاره کردند در باره‌ی قاضی و برحذر داشتن از قضا، بخصوص از قضای بدون علم یا خدای ناکرده همراه با بعضی مسائل منفی آن همه تأکید دارد، برای این نیست که مردم دنبال قضا نروند و قاضی نشوند و یا از قضا بترسند و به آن نزدیک نشوند. این، مثل همان روایاتی است که در باب فتوا وارد شده است که «اجرکم علی الفتوی، اجرکم علی النار» هر که بر فتوا جرأت بیشتر می‌ورزد بر آتش بیشتر جرأت می‌ورزد یعنی خود را در معرض آتش بیشتر قرار می‌دهد این معنایش عظمت منزلت مفتیان در دین است این ارزشگذاری کار آنهاست در میزان الهی، هر چه خطر کار بیشتر است ارزش آن کار برتر و والاتر است قضا نیز همین طور است این که گفته‌اند «رجل قضاء بالحق و هو لایعلم، فهو فی النار» فضلاً از آن کسی است که «قضاء بالباطل و هو لایعلم» و فضلاً از آن کسی است که مرد قاضی بداند باری که بر دوش گرفته است چقدر حائز اهمیت است چقدر حیاتی است و چقدر در بردن این بار باید گامها را استوار برداشت و در جای محکم گذاشت و از هر گونه سست‌انگاری و سهل‌انگاری و

کوتاهی و قصور اجتناب کرد تا این بار سالم به منزل برسد بدیهی است که این همه تأکید را برای کاری کوچک نمی‌کنند پس این اهمیت قضا را به ما نشان می‌دهد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان دستگاه قضایی)

۴- قضاوت

قضاوت که عبارت از داوری کردن برای رفع نزاع و کشمکش در میان مردم است یکی از منصب‌های بزرگی است که از جانب خداوند متعال برای پیغمبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام و از جانب آنان برای فقیه جامع‌الشرایط تعیین شده است قضاوت در بافت حقوقی، به معنی کشف حقیقت در نزاع چند طرف که در نهایت به ارائه حکمی از سوی نهاد متصدی قضاوت و لازم‌الاجراء از سوی حکومت برای پایان دادن به اختلاف میان آن‌ها منجر می‌شود قضاوت در اصطلاح فقهی به معنی حکم کردن میان مردم برای پایان بخشیدن به اختلافات ایشان و گرفتن حقوق آنان است قضاوت را در حقیقت جزئی از ریاست عمومی پیامبر و امامان شیعه می‌دانند و به همین خاطر از منظر روایات و فتاوا کسی که عهده‌دار این منصب می‌شود باید شرائط خاصی داشته باشد که شایستگی او را آشکار سازند عدالت، عقل، علم به احکام قضاوت و تشیع برخی از صفاتی هستند که بر اساس فتوای فقیهان شیعه باید در قاضی وجود داشته باشند.

منصب قضاوت در دیدگاه اسلام

منصب قضاوت در دیدگاه اسلام یکی از ارزشمندترین و در عین حال خطرناک‌ترین مناصب اجتماعی است قاضی نیز در یک نگاه نماینده خدا و با فضیلت‌ترین انسان‌ها (ای داود! ما تو را نماینده خود در زمین قرار دادیم پس در میان مردم بحق داوری کن) و در نگاه دیگر از شقی‌ترین مردم شمرده شده است؛ زیرا به تعبیر امیر مؤمنان علیه‌السلام او در جایگاهی می‌نشیند که یا انبیا و اوصیا در آن قرار می‌گیرند و یا اشقیا بر آن تکیه می‌زنند و فاصله این دو فاصله بهشت و دوزخ است قاضی اسلامی دارای استقلال کامل است و این یکی از امتیازات اسلام است بر خلاف سیستم‌های مختلف حقوقی که بیشتر تکیه بر روی قوانین دارند، اسلام تکیه اصلی را بر روی قاضی می‌گذارد اسلام برای قاضی شرایطی قایل می‌شود که طبعاً با رعایت آن شرایط قضا تا حد زیادی تضمین شده خواهند بود به همین جهت اختیارات قاضی در سیستم قضایی اسلام بسیار وسیع است اصولاً استقلال سیستم قضایی در اسلام از استقلال قاضی سرچشمه می‌گیرد پشتوانه این استقلال، منابعی است که در کتاب و سنت به آن اشاره شده است در قرآن کریم در برخی آیات به استقلال قضایی اشاره شده که بیانگر اهمیت دادن به این اصل حیاتی است چنانکه خداوند قضا را مورد خطاب قرار می‌دهد و در سوره نساء می‌فرماید: ای اهل ایمان نگهدار عدالت باشید و برای خدا یعنی موافق حکم خدا گواهی دهید هر چند بر ضرر پدر و مادر و خویشان شما باشد برای هر کس شهادت می‌دهید چه فقیر چه غنی شما نباید در حکم و شهادت طرفداری از هیچ یک کرده و از حق عدول نمایید که خداوند (ج) به رعایت حقوق آن‌ها اولی است پس شما در حکم و شهادت پیروی هوای نفس نکنید تا عدالت را نگه دارید و اگر زبان را در شهادت طوری بگردانید و یا از بیان حق خود داری کنید خداوند (ج) به هر چه می‌کنید آگاه است. (نساء ۱۳۵)

اهمیت قضاوت در اسلام

قضاوت و دادرسی راستین و همراه با حق دادرسی در نگاه حقوقدانان مسلمان پس از ایمان به خدا از استوارترین واجبات دانسته شده است. در قرآن کریم آیات بسیاری در مورد عظمت و جایگاهی منصب قضاوت وجود دارد که اکثر آن ها دلالت دارد بر این که این را خداوند متعال به پیغمبران و صالحان داده است و انسان های صالح خدا برای تحقق آن رنج ها و زحمت های زیادی دیده اند و مشکلات زیادی را متقبل شده اند اسلام بارزترین ارزش و اهمیت را به مسئله قضاوت در جهت تأمین حقوق مردم و استقرار عدالت اجتماعی قایل شده است و آن را امانت بزرگی تلقی کرده است خداوند متعال در تأکید مقام عظمت عدالت و اجرای عدالت و به منظور تحذیر و تهدید قضات از جانبداری جنایتکاران، پیامبر اکرم (ص) را بدین گونه مخاطب ساخت: قرآن کریم بدین وسیله خاطرنشان ساخت که امر خطیر قضاوت مربوط به اراده محض شخص پیامبر نیست، بلکه او نیز می باید در کار حکومت پیرو دستور خدا و مجری حق باشد خداوند به پیامبر (ص) در مقام قاضی دستور می دهد که: به آنچه خدا فرستاده میان مردم حکم کن و در اثر خواهش های مردم حکم حق را وامگذار. (مائده ۴۸)

اقسام قضاوت

امام خمینی قدس سره قضاوت را به دو قسم مطلق و مأذون تقسیم کرده است.

قضاوت مطلق

منظور قضاوت مجتهد جامع شرایط است که علاوه بر شرایط عمومی قاضی یعنی بلوغ، عقل، ایمان و عدالت و مرد بودن از اجتهاد مطلق مجتهدان را می توان به دو گروه تقسیم کرد؛

۱- کسانی که قدرت استنباط جمیع احکام دینی را دارند و حکم هر مسأله ای را که برای مردم پیش آید، می توانند با مراجعه به منابع معتبر بیابند اینها از اجتهاد مطلق برخوردارند یعنی دارای ملکه قدسیه الهی در استنباط مطلق احکام هستند.

۲- کسانی که فقط قدرت استنباط بعضی از احکام را دارند اینها مجتهد متجزی نام دارند نیز برخوردار است؛ بگونه ای که قادر است در همه مسائل پیش آمده و تمامی ابواب فقه، حکم الهی را با ملکه اجتهاد و استنباط شخصی استخراج کند و در قضاوت خود مستقل باشد.

حضرت امام قدس سره مسائل زیر را بر اساس همین قسم بیان کرده می فرماید:

الف- برای کسی که صلاحیت ندارد حرام است که در میان مردم به قضاوت بپردازد اگر چه (قضاوت او) در مسائل جزئی و کوچک باشد از این رو تصدی قضاوت برای کسی که خود را مجتهد عادل و جامع شرایط فتوا و حکم نمی شناسد حرام است هر چند که مردم به صلاحیت او معتقد باشند.

ب- قضاوت برای اهلیش (مجتهد جامع شرایط) واجب کفایی است و گاهی نیز واجب عینی می شود و آن در جایی است که در شهر او یا جاهای نزدیک آن به قدر کافی قاضی یافت نشود.

ج- تصدی قضاوت برای کسی که به خودش اطمینان دارد که می‌تواند وظایفش را انجام دهد مستحب است ولی در صورتی که افراد دیگر به قدر کفایت وجود داشته باشند بهتر است از آن دست بردارد تا از خطر و تهمت (ناشی از آن) مصون بماند.

د- بردن مرافعه نزد قضات جور (کسانی که شرایط قضاوت در آنها جمع نیست) حرام است.

ه- قاضی باید طبق رأی خودش حکم صادر کند و نمی‌تواند به فتوای مجتهد دیگر قضاوت کند هر چند آن دیگری اعلم باشد.

قضاوت مأذون

منظور از آن قضاوت مجتهد متجزی و یا غیرمجتهدی است که با اذن و اجازه مجتهد جامع الشرایط به کار قضاوت اشتغال دارد در این قسم قاضی در قضاوتش مستقل نیست بلکه منصوب از سوی دیگری است مجتهد متجزی و نیز کسی که از مجتهد جامع الشرایط تقلید می‌کند در صورت اذن مجتهد جامع الشرایط می‌تواند قضاوت کند و براساس تقلید به داوری در میان مردم بپردازد و حکم قضایی صادر کند.

امام راحل قدس سره در این باره می‌فرماید:

در قسم اول، قاضی مجتهد جامع الشرایط است و لازم نیست که هیچ کسی او را نصب کند ولی در قسم دوم، در بعضی از احوال که قضاوت زیاد است و افراد به آن زیادی نیستند که بتوانند همه مراکز قضاوت را قاضی واجد همه شرایط گذارند و قاضی واجد شرایط کم است در این صورت فقیه مجتهد عادل، اشخاصی را که مورد اطمینان هستند که اجتهاد را هم نمی‌دانند ولی از کتاب‌هایی که در این باب نوشته شده است می‌توانند مسائل قضا را بفهمند و مورد اطمینان هم هستند و ظاهراً عدله هم هستند اینها را نصب می‌کند که قضاوت کنند از طرف من هم مجازند که جعل قضاوت کنند تا قضاوت شرعی بشود با این جهت‌گیری فقهی حضرت امام قدس سره زمینه حلّ مشکل قضاوت در کشور فراهم شد در قانون نیز مقرر گردید که به دلیل نداشتن مجتهد جامع الشرایط به قدر کفایت شورای عالی قضایی از لیسانسیه‌های قضایی الهیات، علوم قضایی و اداری و طلبان باسابقه که دو سال خارج فقه خوانده باشند استفاده کند.

قضات همان مردان الهی

در روایتی امام معصوم علیه السلام در ذیل آیه «يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» می‌فرماید: مراد این نیست که بوسیله باران زمین را زنده می‌کند بلکه مراد این است که خداوند مردان الهی را می‌فرستد تا آنها با اقامه عدل و برقراری عدالت در سطح جامعه زمین را زنده کنند به عبارتی، اقامه حدود الهی حرکت حیات را به طرف هدف اصلی آن پیش می‌برد. در روایتی دیگر نیز امام باقر علیه السلام می‌فرماید: اجرای یک حد بر روی زمین از چهل شبانه روز باران باریدن پاک کننده تر است.

((اما مردان الهی که قضاوت به حق نموده در حالی که عالم به امور قضایی بوده پس او در بهشت است))

منابع

- قضاوت در اسلام، مرتضی مقتدایی، چ اول، ۱۳۷۶.
- قضا و قضاوت در اسلام، محمد محمدی گیلانی، تهران، نشر سایه، ۱۳۷۸.
- فرازهایی از سیستم قضایی اسلام، محمدی ری شهری، انتشارات پاسدار اسلام
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۰۴.
- حراعلی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۷.
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۰۷.
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۰۷.
- خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۶.
- مدنی، جلال الدین، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، ج ۶، ص ۲۸۲-۲۸۳
- سایت مقام معظم رهبری
- سایت مجلس خبرگان رهبری
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فصل یازدهم قوه قضاییه اصل ۱۵۶ الی ۱۷۴
- نهج البلاغه فیض الاسلام نامه ۵۳
- Iranianpath.org
- Sanjesh.org
- Imam-khomeini.ir
- www.islamguest.net
- حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران ج ۶ ص ۲۷۶
- حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران ج ۶ ص ۲۷۷
- تحریر الوسیله ج ۲ ص ۴۰۷
- احکام حقوقی اسلام ج ۱ ص ۱۷ و ۱۹